



(حصه ۳۵)

## عرض مطلب

در آخر کتاب چند موضوع دیگر را که عبارت از عرض مطلب، مقدمه مؤلف، بیلوگرافی، و مطالعه عصر میباشد و تازه از طرف مؤلف محترم نوشته شده میگیریم ولی در طبع جداگانه این مطالب در آغاز کتاب گرفته خواهند شد.

نگارنده مدت کمی است که با مضمون تاریخ سروکار پیدا کرده است. با هم از چند سال باینطرف جسته جسته تاریخ قرن نوزدهم و پنجاهم را مورد مطالعه قرار داده و در اطراف آن مشغول تتبع و گرفتن یاد داشت ها بودم تا اینکه چندی پیش انجمن محترم تاریخ در قطار دیگر از باب قلم نگارنده را نیز دعوت کردند تا در نگارش فصل قرن ۱۹ که بایستی از تاریخ عمومی وطن عزیز میباشد. و از مدتی تدوین آن طرف توجه انجمن تاریخ قرار گرفته است حصه بگیرم این تکلیف لطف کار انجمن تاریخ را بجا بیاورد تا مطالعات خویش را جدی تر و عمیق تر و منظم تر ساخته و با کسب کسب و علاقه بیشتری بمطالعه تاریخ قرن ۱۹ بپردازم. همان است که با وجود کمی فرصت و قلت مأخذ مخصوصاً اینکه بیشتر درین موضوع از طرف مورخین داخلی کدام اثر مکمل و مفصل تحریر نیافته بود دست بکار زده اینک قسمت اول مطالعات خویش را که حاوی تاریخ قرن ۱۹ افغانستان است بصورت یک اثر مستقل ترتیب و به پیش گاه متتبعین تاریخ تقدیم میدارم و چون یک اثر ابتدائی است که ارتجالاً تدوین شده، امیدوارم قصوری را که در آن چه از نظر حقائق تاریخی و چه از رهگذر انشائی ملاحظه کنند، بدیده اغماض بنسکرند و مخصوصاً در اصلاح آن که خدمت مستقیم به تاریخ و ثقافت ملی بشمار میرود کمک و مساعدت فرمایند. درین اثر اگر چه از مأخذ مختلفه و متعدده شرقی و غربی استفاده بعمل آمده، معیناً در قسمت آثار شرقی سراج التواریخ سالنامه ها و مجلات کابیز و یادداشت های بنا علی میر غلام محمد خان غبار نویسنده و مورخ مشهور معاصر وطن، و در قسمت آثار خارجی، کتاب (عروج بار کزائی)

اثر « الایس پاپیرس » که تازه تالیف و از اکثر مأخذ غربی در آن استفاده بعمل آمده است و کتاب موهن لال موسوم به حیات امیر دوست محمد خان که شامل معلومات مفصل چشم دید نگارنده در دوره استیلای اول انگلیس میباشد و در قسمت حمله دوم انگلیس کتاب « مسئله افغانستان » اثر دیوک آف آرکیل مأخذ عمده نگارنده را تشکیل میدهند اما چون از نظر ضبط واقعات تاریخی و مطالعه آن و هم از نقطه نظر تاریخ عمومی جهان، آثار مؤلفین اروپائی منبع وسیع تر و موثوق تری را ارائه مینمایند بالخاصه آثار یسکه مشتمل بر اسناد رسمی میباشد - از این رو در قسمت تاریخها، و تالیف تاریخی، نتایج و عواقب واقعات عمده خصوصاً اسنادیکه حق به جانب بودن ما را از قول خود مؤلفین اجنبی ثابت میسازد بیشتر از آثار غربی و در اطراف اصل واقعات و رویداد های آن زیاد تر از مؤلفات داخلی و شرقی کار گرفته شده است. تنها فصاحت و استنتاج، نظر به تدقیقات شخصی و فنانعت خود نگارنده با اساس معلومات هر دو فریق آثار فوق بعمل آمده است. در هر حال در پایان این مقدمه فهرست آثار عمده که درین کتاب بطور کلی و یا جزئی، مستقیم یا غیر مستقیم از آن استفاده بعمل آمده، بضمیمه پهلوی گرافیک فید شده است. در متن بجز اسناد مهم که قابل تذکار و یا طرف مناقشه بوده و در حواشی جا بجا ذکر شده از باقی اشارات برای جلوگیری از طولانی کتاب و سهولت خواندن آن صرف نظر بعمل آمده است. قبل از آغاز به اصل مطلب و وظیفه خود میدانم از شاغلی غبار و شاغلی میر محمد صدیق خان و بناغلی گویا و بناغلی حافظ نور محمد خان نسبت به کمک های فکری که در ترتیب این اثر در قسمت تهیه یادداشت ها و پیرایش کلیه مطالبی که در این کتاب بکار گرفته شده فرموده اند، اظهار تشکر نمایم. و نیز باید در اینجا عرض و اعتراف کنم که این اثر هنوز بدرستی تبویب و طوریکه باید ترتیب نیافته حتی تقسیمات فصول آن هم اطمینان بخش نیست بلکه واقعات بی هم ذکر گردیده است و این از سبب تراکم مواد و ابتدائی بودن اثر میباشد و البته در موقع فرصت این نقائیس تسکین خواهد شد. تنها چیزی که میتوانم ادعا نمایم اینست که طرز تحریر کتاب طوری است که تسلسل واقعات را بدرستی بخواننده ارائه کرده میتواند و در اخیر اکثر فصول يك فصاحت مختصر نسبت به همان واقعه یاد آورده که فصل از آن حکایت نمیکند درج شده است.

« سید قاسم رشتیا »

## مقدمه مؤلف

حاجت به تذکار نخواهد بود که نگارش این قسمت از تاریخ افغانستان علی‌الرغم اینکه بعصر ما نزدیکتر میباشد نسبت به اکثر فصول دیگر مشکل‌تر ویر زحمت‌تراست زیرا اگر چه از یک طرف مأخذ زیاد از قلم اجانب در باره واقعات این دوره برشته‌تجریر درآمده لیکن از نقطه نظر آثار داخلی سرمایه ما نسبت باین عصر تقریباً صفر است و نگارنده باوجود تفحص زیاد متأسفانه تاکنون بچنان اثریکه از قلم خردافغانها نسبت به کویف و حالات این دوره برآمده باشد واقلاً از نقطه نظر ضبط واقعات و تاریخ‌های آن بطور اطمینان بخش کمک کرده بتواند بر نخورده است. هست و نیست ما همان سراج‌التواریخ است که باوجود زحمت زیادی که در تدوین آن کشیده شده از نظر تاریخ ارزش زیادی را ارائه نمیکند. از اینکه بگذریم به جز بعضی قصاید و اشعار که در مدح شاهان و امراء از طرف شعرای وطن سروده شده و آنرا هم باید با قید مبالغات شاعرانه و اقتضای وزن و قافیه در نظر گرفت دیگر کدام مأخذ معتبر داخلی که ازین دوره بطور مفصل و مـکمل بحث کند نمیتوان سراغ کرد.

علی‌ای حال علاوه بر فقت مأخذ و اینکه نگارنده این فصل مجبور است برای مقابله صحت و سقم تاریخ‌ها و چگونگی روایات نسبت به واقعه به مأخذ اجنبی (که هر یک از نقطه نظر جداگانه تجریر و ترتیب یافته و مقاصد علیحده را تعقیب میکنند) رجوع کند چون اکثر حالات و اوضاع آن عصر تا امروز نیز کم و بیش دوام کرده و نتایج آخری و قطعی آن هنوز مکشوف نشده و قضاوت نهائی در باره آن بعمل نیامده است. دادن فیصله قطعی در باره آنها کار مشکلی بوده و نگارنده را به مشکلات و حتی اشتباهاتی مواجه می‌سازد. گذشته از تمام اینها - اشخاصیکه در حال و اوقات علین دورم ذی‌دخل میباشد هنوز جزء معاصرین گفته میشوند و یا فامیل‌های ایشان باقیست که آنها هم هر قسم قضاوت و لو بطرفانه را که منافی شأن‌شان باشد نسبت به منسوبین خود رد میکنند یعنی هنوز واقعات مزبور جزء تاریخ نشده است که بدون تعصب و یابی غرضی طرف تحلیل و تجزیه قرار گرفته بتواند. باوصف تمام این مشکلات اینک نگارنده صرف باتسکاء نیت خالص خدمت بوطن و ملت و روشن کردن تاریخ یک عصر بیشتر و قرار دادن واقعات نیک و بد نتایج و عواقب هر کدام در انظار معاصرین و اولاد آینده افغان (تا باشد که ازین سانحات کسب عبرت و اخذ سرمشق نموده آینده وطن را بادیگان بازنگاه کنند و با قدمهای ثابت قدم بردارند) به نگارش این قسمت از تاریخ شروع کرده از قصور معلومات و اشتباهاتی که طبعاً در چنین یک موضوع مفصل - (آنها هم در باری امر) - رخ دادنی است و اینکه این اثر را چگونه استقبال و قضاوت خواهند کرد، نیز نیندیشیده داخل موضوع میشوم تا کم از کم بیک فتح بایی ولو با فداکاری یک نویسنده و اثر او میسر شود، پرداخته باشم.

تنها از مطالعین گرام آرزو میکنم که در موافیکه یک قسمت را از حقیقت منحرف می‌یابند و یا یک قضاوت را خطاء می‌پندارند بجای عصبیت و حکم به نفی تمام کتاب (که

روی يك نيت پاك و وطن خواهانه و بيطرفانه نوشته شده ) - جنبه های صحت و حقیقت آنرا با اسناد و دست آویزهاییکه داشته باشند ، بنسکارند و بایه شعبه نیکه این اثر با آن تعلق میگیرد ارائه کنند و حتی در مجلات و جراید وطن به تصحیح آن به پردازند .

اگر مختصر گفته شود درین اثر نگارنده کوشش کرده است تا علل و چگونگی تجزیه امپراطوری درخشان سدوزانی و آغاز خانه جنگی و رجعت ملوک الطوائفی را در افغانستان بادسایس خارجی و مقاصدیکه تعقیب میکردند و بالاخره نهضت سلاله محمد زانی و پیشرفت تدریجی ایشان را با پیداء شدن تماس مستقیم بین افغانستان و ممالک بزرگ اروپائی و تصادماتیکه از اثر رقابت شان بین افغانستان و ممالک مزبور واقع شد و آخر الامر نتایجیکه ازین تصادمات پیمان آمد بالنتیجه سلطنت موجوده در افغانستان تأسیس گردید ، مورد مطالعه قرار داده و روی هر فته افغانستان را در خلال دوره فترت خانه جنگی های يك فرقه و دو جنگ بزرگ خارجی - تا خروج آن ازین گیرودارها گماهو حقه نشان بدهد و من الله التوفیق و سید قاسم رشتیاء



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نوت - درین اثر تاریخ عجمی قمری و تاریخ میلادی هر دو اعتبار داده شده و با کوشش زیاد همه سنوات باین دو تقویم تطبیق گردیده است باهم ممکن است در برخی جاها کدام ماه تفاوت کند و حتی از یکسال بسال دیگر منتقل شود و این از سبب آنستکه تاریخ صحیح اکثر واقعات معلوم نبوده تا کنزیر میباشد ، باهم برای دادن يك نظریه تقریبی نسبت به تاریخ ها کفایت و ممکن در آینده با تطبیق دیگر آثار جسته جسته بیایه تحقیق برسد .

# ببلیو گرافی

## الف مأخذ داخلی :

- |                           |  |                         |
|---------------------------|--|-------------------------|
| ۱- سراج التواریخ          | مؤلف ملا فیض محمد خان                            | لسان فارسی جای طبع کابل |
| ۲- تاج التواریخ           | » امیر عبدالرحمن خان مرحوم                       | » » ایران               |
| ۳- آریانا                 | » نجیب الله خان تورویانا                         | » » کابل                |
| ۴- تاریخچه افغانستان      | » میر هاشم خان مرحوم                             | » » »                   |
| ۵- سالنامه های کابل       | » انجمن ادبی پښتو ټولنه ( از سال اول تا سال ۱۲ ) | » » »                   |
| ۶- مجله کابل              | » انجمن ادبی پښتو ټولنه ( از سال اول تا سال ۱۲ ) | » » »                   |
| ۷- آریانا                 | » انجمن تاریخ از سال اول تا دوم                  | » » »                   |
| ۸- نادر افغان             | » برهان الدینخان کشککی                           | » » »                   |
| ۹- احمد شاه بابا          | » میر غلام محمد خان غبار                         | » » »                   |
| ۱۰- اوی احمد شاه          | » عیدالاحی خان حبیبی                             | » پښتو »                |
| ۱۱- تاریخ مختصر افغانستان | » وزارت معارف                                    | » » »                   |
| ۱۲- سوانح شاه شجاع        | » شاه شجاع الملك سدوزانی                         | » » هند                 |

## ب - مأخذ شرقی :

- |                         |                            |                          |
|-------------------------|----------------------------|--------------------------|
| ۱- تاریخ احمد شاه       | مؤلف منشی عبدالکریم انسانی | لسان فارسی هند           |
| ۲- تاریخ احمد شاه درانی | » شبرازی                   | » » ایران                |
| ۳- حیات افغانی          | » حیات خان                 | » » »                    |
| ۴- تاریخ سیستان         | » ملك الشعراء بهار         | » » ایران                |
| ۵- اکبر نامه منظوم      | » حمید کشمیری              | از مجلات آریانا طبع کابل |

## ج - مأخذ غربی :

- |                                    |                    |         |
|------------------------------------|--------------------|---------|
| ۱- تاریخ افغانها                   | اثر فیریه          | فرانسوی |
| ۲- حیات امیر دوست محمد خان         | » موهن لال         | هندی    |
| ۳- عروج بار کنزائی                 | » الایس بیس ایاریس | انگلیس  |
| ۴- سلطنت کابل                      | » الفنتن           | انگلیس  |
| ۵- یوسف زائیهها                    | » بیلو             | »       |
| ۶- یک سیاحت در غزنی کابل افغانستان | » واین             | »       |

- ٧- اردوی سند      هوک      انگلیس
- ٨- افغانستان      » مین - انگلیس (اسم کتاب مسافرتها در بلوچستان افغانستان و پنجاب)
- ٩- مسافرت شمال هند      » کونولی -      انگلیس
- ١٠- آغاز قومسکها در پنجاب      » یرنسپ      »
- ١١- افغانستان      » مکمون      »
- ١٢- قضیه افغانستان      » دیوک آف آرکبیل      »
- ١٣- سرحد شمال غرب هند      » سرولیم پارتن      »
- ١٤- تاریخ ایران      » مرکهام      »
- ١٥- جنگ دوم افغان و عمل آن      » همری دیو رند      »
- ١٦- روزنامهچه بر بادی در افغانستان      » جنرال سبیل      »
- ١٧- تاریخ تک      » کاف      »
- ١٨- تجدید سرحدات افغان ( مذاکرات بین افغانستان و برطانیه ) ( ١٨٨٥-١٨٧٢ ) از نشریات وزارت خارجه روس ( بلسان فرانس ) .
- ١٩- عمل جنگ افغان ( او راقبکه به پارلمان انگلیس پیش شد ) از نشریات وزارت خارجه انگلیس - بلسان انگلیسی .
- ٢٠- سرحدات هند      رتال انجمن علوم انسانی و مطالعات فرهنگی      انگلیس
- ٢١- افغانستان و مسئله آبیای مرکزی      اثر فردریک فشر      انگلیس
- ٢٢- افغانستان      » کپتان مری      »
- ٢٣- کمبرج - تری آف ایندیا      » ونست سمث      »
- ٢٤- تاریخ افغانستان      » سرپرسی سایکس      »
- ٢٥- بلوچستان      » یوتنجر      »

نوٹ : ازین کتب اکثریہ را ننگارنده شخصاً مطالعه و معلومات مفصلی ک-رفته است برخی را بعضی دوستان دیدہ و یاد داشت های خویش را بمن دادہ اند و یک عدد دیگر سرسری در قسمت های مربوطہ مطالعه، و اخذ یاد داشت شدہ است .

## مطالعه عصر

میخواهم پیش از آغاز تاریخچه ، يك سير عمومی و مجمل نسبت به عصری که این اثر از آن بحث میکند بعمل بیاورم . چه بفکر نگارنده برای درک واقعات تاریخی داشتن معلومات نسبت به عصر و جریانات دنیا در آن دوره با واقعات رویداد های ممالک همسایه ، خیلی مهم و مفید میباشد . سرداران بارگزائی در آن کسب اقتدار میکنند در خود افغانستان عبارت از دوره درانی هاست که با اخیر قرن معیبه و اوایل قرن نوزدهم تصادف میکنند و این عصر در اروپا دوره ناپلیون و در شرق آغاز پیش روی روس و انگلیز از دو طرف جانب سرحدات افغانستان ( بمقصد توسعه و قیام نفوذشان در آسیای وسطی ) بوده و در همین عصر است که تصادم سیاست این دو مملکت در آسیای مرکزی شروع میگردد . ناپلیون پس از آنکه از کار نجات فرانسه از شر اطیش پروس و انگلستان در اروپا فراغت حاصل کرد ، برای شکست دادن قطعی به انگلیس و اشغال هند متوجه شرق شد و به مصر لشکر کشید و بر آن مملکت تصرف نمود . سپس میخواست از طریق خشکه بره ایران و افغانستان و یا اگر روسیه موافقت کنند از راه روسیه و افغانستان به هند لشکر کشی کند چنانچه سفرای او به ایران و روسیه رسیده و داخل اقدامات شده بودند و حتی پیغام و بیخ نهدی بدربار شاه زمان سدوزائی امپراطور افغانستان نیز فرستاده و از وعده کمک و همکاری برای فتح هند خواسته بود و مقارن همین وقت خود زمان شاه نیز برای فتح و تأمین مجدد هند آماده گئی داشت . درین وقت انگلستان از استیلای فرانسه بر هند ( که خودش تازه در انجا پای خود را محکم کرده و تا دهلی سبقت نموده بود ) هراس داشته طالب آن بود تا از یکطرف افغانستان را بواسطه ایران پریشان ساخته (۱) از اقدامات برخلاف خود مانع شود (۲) و از طرف دیگر افغانستان و ایران را از اتحاد با ناپلیون منع نماید چنانچه برای همین مقاصد بود که «سرجان مالکم» سیاست مدار مشهور را برای بار اول بدربار طهران اعزام نمود . لیکن درین بین ناپلیون در اقدام خود از راه سوریه تا کام شده در جنگ (عکس) شکست خورد و مجبور شد سوریه را تخلیه و به فرانسه باز گردد و ظاهراً از کامیابی خود از سمت شرق فریب مایوس گردیده . بفکر افتاد تا از جانب روسیه این نقشه خویش را عملی سازد چنانچه برای همین مقصد بود که با روسیه از طریق دوستی پیش آمد و ازین جهت انگلیس برای خنثی ساختن اقدامات آینده ، ناپلیون اولین هیئت خود را تحت اثر «منستوارت الفنتن» بدربار شاه شجاع سدوزائی و هیئت دیگری هم تحت اثر «سمت» نزد میران سند اعزام داشت و معاهده اتحاد تدفمی با افغانستان منعقد ساخت ولی این معاهده جنبه عملی دربر نکرد زیرا ناپلیون از سمت روسیه هم کامیاب نشده از مسکو عقب نشست و خوابهای رسیدن بهند او با شکست های «لایبزیگ» و «واتراو» از بین رفت . باهم به مجرد رفع شدن خطر ناپلیون تهدید خود روس بطرف هند جاء نشین آن گردیده و نظر انگلیس را جلب کرد و انگلیز از خوف پیش دستی روس بطرف افغانستان

(۱) کلنل هالدک ، سرحدات هند صفحه ۳۸۰ -

(۲) هنری دیو رند در کتاب خود موسوم به «عمل جنگ اول افغانستان» مینویسد ،

ناپلیون که با (تیپو سلطان) قائد هند جنوبی در تماس و میخواست زمان شاه را دعوت به حمله به هند بنماید تا از یکطرف تیپو سلطان و از طرف دیگر زمان شاه به

هند تاخته سلطه انگلیز را خاتمه بدهند ( صفحه ۱۰ ) -

و از انجاء بهند ازین وقت ، او ضاع افغانستان را به دقت تمام نگرانی میکرد خصوصاً چشم داشت روس بطرف هرات ( که ظاهر آ شاه ایران در این کار پیش قدم بود ) انگلیز را تحریک نمود تا اداره سیاست داخلی و خارجی افغانستان را کاملاً در دست خود داشته باشد چنانچه روی همین مقاصد بود که انگلیز درین دوره دوم مرتبه به افغانستان تجاوز کرد در دفعه اول حتی آرزو داشت تا بطور دائمی افغانستان را تحت اشغال خود گرفته و باین قسم بفکر خود خوبتر جلو پیشرفت روس را جانب هندی مسدود سازد حالانکه در دفعه دوم مطمح نظرش انتزاع موافق سوق الجیشی شرق و جنوب شرقی افغانستان بوده است. در همین زمان در همین عصر بود که انگلیس نفوذ خود را در هندوسعت داده و بفکر تشکیل امپراطوری شرقی افتاده بود و درین کار بیشتر از حوادث و اختلافات و جنگهای داخلی هند و همسایه گان آن استفاده نموده قدم بقدم جای هر قوای را که با اثر جنگ با قوه دیگر از یا می افتاده اشغال کرده رفت چنانکه پس از شکست سلطنت مغولیه که بدریغ احمد شاه کبیر درانی صورت گرفت و همچنین به از منسکوب شدن اقدام ( مرهته ) از طرف شاه موصوف ، انگلیز به تدریج از هند جنوبی و شرقی بطرف هند مرکزی و شمالی پیش آمده قدم بقدم جای این دو قوه را اشغال کرد و سپس منتظر شد تا سلطنت سدوزائی افغانستان در نتیجه اختلافات داخلی شهزاده گان و رقابت های خانهدانی پارچه پارچه گشت و از رقابت سکها در برابر امپراطوری سدوزائی و سلطنت محمد زائر نیز استفاده نمود . بلکه راجت سنگ را عملاً مقابل امیر دوست محمد خان مرحوم تقویه و تشجیع کرد و سپس هر دو را یکی بعد دیگری از هند شمالی اخراج و خود را بجای آن نصب نمود و حتی به اراضی حقیقی افغانستان تسلط و تصرف خویش را با اثر معاهدات که با شهزاده گان و امرای در تحت عوامل فشار و انتریکیهای سیاسی منعقد نموده قایم ساخت از دیگر سود همین عصر بود که دولت زار روس زمینه را برای عملی ساختن نقشه های بطور کبیر آماده یافته مارش خویش را بطرف جنوب به مقصد رسیدن به هند وستان و واصل شدن به آبهای گرم بحر هند توأم با فشار دیگر جانب مدیترانه و در داتل در اروپا ادامه داده یکی بعد دیگری ممالک و اراضی ترکستان و ماوراءالنهر را اشغال کرده رفت و بزودی نفوذ آن طور مستقیم و غیر مستقیم تا سواحل رود آمو منبسط گشت روسیه به رسیدن به هدف نهائی و آرزوی تاریخی آن را از وقت بطور کبیر تشکیل میدهد برای لشکرها اقدامهای مهمی فقط کارانه برداشته حاضر نبود با امپراطوری برطانیای قبل از وقت تصادمی که منجر ب جنگ بشود بعمل آورد . بنابراین به تدریج موقع یالیده نقشه های خویش را عملی میساخت و کار او در تمام این دوره استخدام ایران برای اجرای این مقصد بوده و همیشه حکومت ایران را به اشغال هرات تشویق میکرد تا بدریغ ایران را خود را بطرف هند نزدیک سازد .

شاهان ایران که درین عصر از سلسله قاجاریه و رویهمرفته حکمداران ضعیف و آلف دست همسایه گان خود بودند پس از آنکه روس قسمتهای شمالی خود ایران را ضمیمه خود کرده بود به ایران وعده تلافی را داده و به اینقسم سیاست آن دولت را تابع خود ساخته بود و شاهان ایران بتحریک روس بجای استرداد اراضی از دست رفته شمالی خویش یگانه آرزوی خود تصرف هرات و الحاق آن را به ایران میدانستند و بیهم در هر موقع فرصت از لشکر کشی بهرات خود داری نمینمودند .

چنانچه قسمت کلی واقعات این دوره تاریخ افغانستان را منازعه در سر هرات تشکیل میدهد ولی تمام این اقدامات با همه زحمت کشیهای که سلاطین ایران و مساعی که روسها درین راه نمودند از برکت حسابات ملی افغانها تا کام و نقش بر آب ماند هر بار لشکر کشیهای ایرانی هانیز مانند لشکر کشیهای انگلیز با تلفات سنگین و تلافی ناپذیری که



برداشته اند و شهرت بدی که برای خود باقی گذاشتند منتج به نتیجه حقیقی برایشان نکردید. در عین زمان سیاست انگلیز نیز خصوصاً در اوایل در ایران کار میکرد و برای آنکه شاه زمان سدوزائی را که میخواست شاهنشاهی احمدشاهی و تیمور شاهی را با فتوحات آن تعقیب و بار دیگر هند را بکلی فتح و نفوذ اجانب را از آن طرف کند کامیاب نگردد حکومت ایران به تحریک انگلیز اسباب ناآرامی شدید او را فراهم آورد (۱) بالاخره همین دسایس بود که بنا کاهی زمان شاه مؤثر واقع شده و او را با نقشه هایش از میان برداشت و بعد از آن بتولید نفاق داخلی متصل شدند تا موقع تجدید آن نقشه ها بدست زمامداران افغان نرسد چنانچه از یک طرف که اقدامات برای مشغول ساختن زمان شاه جاری بود ایران به تحریک انگلیز محمود شاه برادر او را تشویق بقیام نموده با و وعده کمک و امداد میداد تا دست شاه زمان را از سلطنت افغانستان کوتاه سازد بهر حال این رول دو جانبه بود که شاهان جاری ایران در یک عصر بنا به تحریکات دو همه سابقه قوی افغانستان برای ضعیف ساختن این مملکت بازی کردند و میتوان گفت همین رولها سبب و منشاء تمام بدبختیهای آتی افغانستان گردید.

رویه هرفته درین عصر بهد از سقوطنا پلویون در صحنه سیاست شرق فقط دو پهلوان وجود داشت یکی انگلیز و دیگر روس انگلیز میکوشید ساحه مستعمرات خویش را به هر سمت توسعه و بنیان امپراطوری جدید تشکیل خویش را در شرق مستحکم بگذشت حالانکه روس قوه بزرگی که با انگلیز مقابله کرده بتواند در بازوی خود ندیده صرف از راه تحریکات سیاسی و اقدامات محلی میخواست خود را بهند که هدف آخرین او بود نزدیک تر بسازد.

دولت عثمانی که یک رقیب دیگر دو تین بود اگرچه ساحه نفوذ آن مد یترانه بوده به مسایل شرق وسطی علاقه گرفته نمیتوانست با هم بیشتر آله دست انگلیزها بوده برای خلاصی از شر روس که خواهان سیادت در بحیره سباه و آبناها بود بیشتر سیاست انگلیز را تا بنده میکرد.

و گاه گاهی هم بر مسایل شرق که به منافع خودش ربط مستقیم نداشته اما از لحاظ ضعیف ساختن روس مؤثر ثابت شده میتواند سیاست انگلیز را و کالت مینمود و با لمقابل انگلیز در مواقع لازمه جهت پس نشا ندین روس از اقداماتی که به منافع انگلیز تصادم میکرد دولت عثمانی را به منازعه و مناقشه با روس تشویق و تحریک میداد چنانچه اینگونه وقایع در طول قرن زده هم به تکرار صورت گرفته است.

فرائسه هم با اثر جنگهای ناپلویون و شکستهای اخیر او و معاهدات صلح خصوصاً سنفرانس برلین (۱۸۱۵-۱۸۲۲ م. ق) خیلی ضعیف شده و از اقتدار جهانگیری افتاده بود پروس که تازه میخواست در ساحه اروپا قد علم نماید هنوز به مرحله ادعای اراضی یا نگذاشته و اگر هم میخواست مستعمراتی برای خود حاصل نماید چشم او بطرف افریقا بود. جایان و امریکای هنوز بیرون از قلمرو خود قدرت بین المللی نداشتند و اول الذکر تا این وقت اصلاً نهضت خود را شروع نکرده بود.

این بود وضعیت عمومی عصریکه در آن سلاله محمدزائی از پرده کم نامی خارج و کم کم از راه وزارت بسوی امارت و سلطنت نزدیک میشوند.

علی ایحال چیزی که میتوان درین قسمت بصورت نتیجه استخراج نمود اینست که نه انگلیز و نه روسیه و نه ایران یکی هم درین عصر که میخواستند از ضعف سیاسی افغانستان که در اثر اختلافات داخلی بوجود آمده بود استفاده کرده این مملکت را زیر نفوذ قطعی خویش قرار دهند

(۱) مؤمن لال، حیات امیر دوست محمد خان جلد اول صفحه ۳۴۶ کلنل هالدک

به نقشه های خویش چنانکه آرزو داشتند کامیاب نشده روح تسلیم ناشدنی ملت افغان و ایجابات سیاسی و طبیعی که درین مملکت بصورت استثنائی وجود دارد متجاوزین رادرم بار به سر نوشت های وخیم و فراموش ناشدنی مواجه ساخت . روس و ایران در جنگ های هرات بدون حصول کوچکترین نتیجه صدمات شدید مادی و معنوی را متحمل شدند انگلیزها اگر چه با اثر اقدامات غیر مستقیم قسمت مهمی از اراضی افغانستان را در حصص شرقی آن منتزع و متصرف گردیدند که بیکر مملکت را تا امروز جریحه دار ساخته است اما بالمقابل عساکر آنها در هردو جنگ ۱۸۴۲ ع ( ۱۲۵۸ ه - ق ) و ۱۸۷۹ ع ( ۱۲۹۶ ه - ق ) شکست ها و تلفات خونین برداشتند که تاریخ لشکر کشی برطانیه در شرق نظیر آن را بخاطر ندارد . و به علاوه این قضا یا به بنام ویرستیژ برطانیه در آسیا چنان صدمه شدید وارد کرد که تا امروز اثرات ناگوار آن رفع نشده است .

خلاصه این دوره برای افغانستان با وجود افتخارات ملی که از لحاظ غلبه بردول بزرگ متجاوز و در هم شکستن اردوهای معظم و معنویات حکومت شان نصیب مملکت شده با هم دوره ناگواری بوده بهترین مواقع ترقی و پیشرفت که از برکت روح تجدید جهان شمول نفیخه بیداری ملل در دسترس آن قرار گرفته بود از دستش رفت و هم فرصتهای ممتاز را برای تامین حقوق و سرحدات ملی دو چنان موفقیکه دولت افغانستان بعد از دوره اقتدار امیراطوری احمدشاهی تقریباً درین صحنه پهلوانی رقیبی شمرده میشد محض از سبب عدم موقع شناسی و نظریات محدود و نفاق زمامداران خویش از کف داد و الا اگر پروگرام احمدشاه کبیر از طرف اخلاف او تعقیب و با کم از کم نواده های آن شاه بزرگ و سپس جای نشینان آن سلاله بگردن هم دیگر نمی افتادند و بالا اقل به زما نشاء موقع عملی کردن نقشه های اوداده میشد امروز افغانستان در قطار دول معظم دنیا قرار داشته اقل در شرق از هر لحاظ پیشقدم می بود .

بهر کیف تذکار حوادث سوء و فروع گذشته های اسلاف اگر برای گذشته نتیجه را بار آورده نتواند اما برای بیداری و انتباه آیندگان بدون شك مفید و مؤثر میباشد . چنانچه وظیفه ملی تاریخ بیشتر روی همین اساس قرار دارد . پس تظنر این همه واقعات جگر خراش و شرح تفصیل رویدادها و تذکار و مطالعه اهل و تالیف هر ساله محض برای ایضا نسل امروز و فردای افغانستان است زیرا هنوز هم باید بدانیم که با وجود آنقدر مواقع قیمتهداری که از کف داده ایم فرصت بکلی ارددست نرفته است ، میتوان گذشته و نا کامی های اسلاف را تلافی و بر جراحات ما در وطن مرهم گذاشته بشرطیکه اولاد کنونی و نسل آینده افغان یک لحظه دیگر را ننگذارند که هدر برود و کوچکترین فرصت را برای اعتلای خاک و تلافی کار های اجداد خویش ( که انصافاً تا بسیار جا آنها معذور هم بوده اند - چرا که مثل مردان امروز دنیا نتیجه اعمال خود را نمی شناختند ) از دست ندهند . بسیار بکوشند ، جهد نهائی بعمل آرند ، زیرا عصر موجوده نسبت به آن فرصت هائی طلائی که از کف ما رفته خیلی فرق کرده است ، اکنون قافله ما از کاروان های دنیا که تا دیروز هم مقدم آن بوده بسیار عقب مانده و ما نسل امروز علاوه بر وظیفه ملی خود ، بجا آردن وظایف اجراء نشده بلکه قصورهای اسلاف خویش را نیز بحیث فرزندان خلف بدوش داریم .

بدرم روضه رضوان بدو گندم بفروخت ناخلف باشم اگر من بجوی ستانم .  
 با ایمان کامل که به ملیت خود و بهمان عقیده و اعتمادی که به افغان و افغانیت دارم به اطمینان کامل میگویم که هنوز وقت داریم و هنوز فرصت تماماً از دست نرفته است . بیقین میتوانیم چیزهای از دست رفته را دوباره بکف بیاوریم . اما بشرطیکه همه ما همین عقیده و ایمان را داشته باشیم و به همین اعتقاد و ایمان جسم و روح خویش را بکار اعتلای این خاک مقدس که همه به آن افتخار میکنیم و همه حاضریم برای آن جان بدهیم - وقف سازیم . « سید آسم رشتیاء »